

Pooneh Nikooei 's Poetry Readings based on the Role-Oriented Approach

Soheila Farhangi ¹*, Shirin Keshavarz ²

¹ Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payam Noor University of Guilan,

² M.A student of Payame Noor University of Guilan,

*Corresponding author: S_farhangi@pnu.ac.ir

DOI:

Received: 1 Sep, 2017

Revised: 20 Nov, 2017

Accepted: 16 Feb, 2018

ABSTRACT

The role-oriented approach to language has led to systematic studies of texts. Poetry and other literary texts can be read and analyzed with different perspectives although they differ from the scientific and educational texts due to the highlight of the language. The purpose of this research is Pooneh Nikooei's poetry readings based on the role-oriented approach to language. Pooneh Nikooei is a young poet who has paid attention to social poetry. This poem-which is called like pigeon and contains the pure feelings of a soldier's child, is selected from Green Pomegranate Red Olive book. The findings of the research indicate short sentences, the plurality of processes, the overcoming of relational processes and the being descriptive this poem. Also, the results of this research show that the poet did not pay much attention to the peripheral elements and did not look for pad out her speech in this poem.

Key words: Social Poetry, Pooneh Nikooei, The Role-Oriented Approach.

خوانش شعر پونه نیکوی براساس رویکرد نقش‌گرایی

سهیلا فرهنگی¹، شیرین کشاورز²

1. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور گیلان

2. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور گیلان

*نویسنده مسئول مقاله Email: S_farhangi@pnu.ac.ir

DOI:

پذیرش: 96/11/25

اصلاح: 96/08/29

دریافت: 96/06/10

چکیده

رویکرد نقش‌گرایی به زبان، سبب مطالعات نظام‌مند متون شده است. شعر و دیگر متون ادبی، هر چند به دلیل برجسته‌سازی زبان با متون علمی و آموزشی متفاوت‌اند، اما این قابلیت را دارند که با دیدگاه‌های گوناگون خواننده و تحلیل شوند. هدف از این پژوهش خوانش شعری از پونه نیکوی براساس رویکرد نقش‌گرایی به زبان است. پونه نیکوی از شاعران جوانی است که به شعر اجتماعی توجه نشان داده است. این شعر - که کبوترانه نام دارد و حاوی احساسات پاک یک فرزند شهید است - از کتاب انار سبز زیتون سرخ انتخاب شده و مربوط به حوزه دفاع مقدس است. یافته‌های تحقیق حاکی از کوتاهی جملات، کثرت فرایندها، غلبه فرایندهای رابطه‌ای و توصیفی بودن این شعر است. همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شاعر در این شعر به عناصر پیرامونی توجه زیادی نشان نداده و به دنبال شاخ و برگ دادن به کلام خود نبوده است.

واژگان کلیدی: شعر، دفاع مقدس، پونه نیکوی، رویکرد نقش‌گرایی.

1. مقدمه

تغییراتی که در قرن بیستم در زبان‌شناسی ایجاد شد، سبب شد که این حوزه از پژوهش‌های تاریخی صرف به مطالعات نظام‌مند روی آورد. در میان نظریه‌پردازان این عرصه به آراء افرادی نظیر سوسور، یاکوبسن، چامسکی و هلیدی بیشتر توجه شده است. یکی از بهترین الگوها در تحلیل ادبیات زبان‌شناسی نقش‌گرای سیستمی است (نبی‌لو، 1392: 114).

زبان‌شناسی جدید را می‌توان به دو شاخه تقسیم کرد: زبان‌شناسی ساختاری یا ساخت‌گرا و زبان‌شناسی نقش‌گرا. زبان‌شناسی ساختاری - که از بلومفیلد و سایر شروع و به چامسکی ختم می‌شود - نوعی زبان‌شناسی است که توجه خود را اغلب بر تحلیل جمله متمرکز می‌کند. ناگفته پیداست که چنین نظریه‌ای اساساً به کار مطالعات ادبی نمی‌آید، زیرا جمله نقطه آغاز آفرینش ادبی است نه نقطه پایان آن. اگر قرار است زبان‌شناسی بتواند به کار مطالعات ادبی بیاید، باید از جمله فراتر رود و به متن بپردازد. همچنین در زبان‌شناسی ساختاری و به‌ویژه در شاخه زایشی آن، تلاش اساسی بر این است که به احکام عام و به جهانی‌های زبان برسیم؛ بنابراین چنین تصویری از زبان - که به مشترکات زبان‌ها محدود می‌شود - البته به کار تحلیل آن جنبه‌های ظریف و زیبا و به‌شدت فردی زبان نمی‌آید که متعلق به امر آفرینش ادبی‌اند. شاید بهتر باشد برای تحلیل متون ادبی نظریه‌ای متن‌بنیاد را به کار بگیریم؛ مانند نظریه سیستمی - نقشی هلیدی. این نظریه - که با قبول اصول ساخت‌گرایی بر نقش زبان و واحدهای ساختاری آن تأکید می‌کند - از جهاتی بسیار مناسب مطالعات ادبی است؛ از جمله از این نظر که به جنبه‌های خاص و ممتاز و وابسته به متن و جمله نیز توجه خاصی دارد. همچنین به دلیل همین حساسیتی که به ویژگی‌های خاص جمله و به تناسب آن به محیط پیرامونش نشان می‌دهد، خواه ناخواه به وجود ساختی بزرگ‌تر از ساخت جمله نیز قائل است و آن ساخت متن است. از دلایل دیگری که زبان‌شناسی نقش‌گرا مناسب مطالعات ادبی است این است که این نوع خاص از زبان‌شناسی علاوه بر دو لایه ساختاری جمله و متن، لایه ساختاری سومی به نام گفتمان دارد. ساخت گفتمان

از رهگذر ترکیب متن، به عنوان ساختی کاملاً زبانی با بافت موقعیت، به عنوان ساختی کاملاً غیرزبانی به دست می‌آید (صالحی‌نیا و روحی، 1390: 304-305).

برجسته‌ترین نظریه پرداز رویکرد نقش‌گرایی، مایکل هلیدی، زبان‌شناسی نظام‌مند را معرفی کرد و این رویکرد به شیوه‌ای کارآمد در تجزیه و تحلیل متون تبدیل شد. هلیدی زبان را ابزار انتقال معنی و وسیله برقراری ارتباط میان افراد یک جامعه تعریف می‌کرد و در نتیجه آن را نهادی اجتماعی و بخشی از نظام اجتماعی می‌دانست (مهاجر و نبوی، 1376: 18). او رویکرد خود را نقش‌گرایی می‌نامید، زیرا معتقد بود که آرای او درباره زبان بیشتر به نقش عناصر زبانی تأکید دارد تا بر صورت آن‌ها (احمدزاده، 1387: 13).

از دیدگاه هلیدی زبان نظامی از معانی است که اساس تعامل اجتماعی واقع می‌شوند و معنی خود برساخته سه بخش متمایز و در عین حال مرتبط است که به عنوان فرانتش از آن‌ها یاد می‌شود (خان جان و میرزا، 1385: 93). هلیدی فرانتش‌های زبانی را به سه دسته فرانتش اندیشگانی، فرانتش بینافردی و فرانتش متنی تقسیم می‌کند که در این مقاله به بررسی فرانتش اندیشگانی در یکی از اشعار دفاع مقدس پونه نیکوی می‌پردازیم.

پونه نیکوی نویسنده و شاعر جوانی است که در سال 1364 در بندر انزلی متولد شد. کتاب انار سبز و زیتون سرخ یکی از آثار اوست که در سال 1390 برنده جایزه بهترین کتاب جشنواره گام اول، کتاب شعر جوان انقلاب و نیز برنده جایزه سال پانزدهمین دوره کتاب دفاع مقدس شده است. نیکوی در این کتاب به بیان درد دل‌های خانواده‌های شهدا و جانبازان دفاع مقدس و بیان صحنه‌هایی از دفاع و مقاومت ملل می‌پردازد. بخش‌هایی از این کتاب دربرگیرنده غزلیات عاشقانه و شرح فراق همسران و مادران شهداست و اشعاری نیز حاوی درد دل فرزندان شهدا با پدرانشان است.

نیکوی در مورد اشعار مجموعه انار سبز زیتون سرخ گفته است: من شعر دفاع مقدس را انتخاب نکردم، بلکه انتخاب شدم. این اشعار ناخودآگاه در من جریان پیدا کرد. وی در مورد اینکه چرا به عاشقانه‌های دفاع مقدس پرداخته، پاسخ داد: همان‌طور که گفتم، این من نیستم که انتخاب می‌کنم. وقتی خاطرات همسر شهید جهان‌آرا را مطالعه می‌کردم، فهمیدم که شهدای ما فقط مرد رزم نبوده‌اند. آن‌ها به فرزندانشان، همسران و

مادرانشان عشق می‌ورزیده‌اند. وی یادآور شد: دیدم به یک بُعد از جنگ پرداخته نشده. لیلایی‌های من - که اشعار عاشقانه دفاع مقدّس است - از همین جا نشئت گرفت. نیکوی خاطر نشان کرد: همسر شهید، جانباز و آزاده چیزی از شهید کم ندارد، ولی ما او را در آثار هنری به‌ویژه شعر کمتر می‌بینیم، به اعتقاد این شاعر، شهید را نیز مانند شعر نمی‌شود تعریف کرد و هر دو را تنها با یک حسّ درونی است که می‌توان درک کرد.

در زمینه تحلیل‌های زبان‌شناختی متون ادبی پژوهش‌هایی صورت گرفته است، از جمله مقاله «تحلیل گفتمانی شعر پیغام ماهی‌ها از سهراب سپهری» (فرهنگی، 1385)، «تحلیل سبک‌شناختی شعر اخوان (آن‌گاه پس از تندر)؛ رویکردی نقش‌گرا» (عاصی و نوبخت، 1390) و مقاله «بررسی، تحلیل و نقد چهار قصیده فارسی براساس آموزه‌های زبان‌شناسی سیستمی - نقش‌گرا» (قبادی و رضایی، 1390). اما بیشتر پژوهش، به ساخت متنی و ساخت بینافردی متون ادبی توجه نشان داده‌اند و کمتر به ساخت اندیشگانی متون ادبی پرداخته‌اند. به این دلیل این پژوهش در نظر دارد شعر دفاع مقدس را با این رویکرد مورد توجه قرار دهد. بر اساس این تحلیل می‌توان به این نتیجه رسید که بررسی چگونگی توزیع فرایندهای مختلف در شعر و توجه به نوع کنشگر و کنش‌پذیر انتخاب شده از سوی شاعر، از چند جهت می‌تواند راهگشای منتقد باشد:

1. ادراک فضای حاکم بر متن شعر با شناخت نظام فرایندهای موجود در شعر.
2. تشخیص جنبه‌های استعاری متن
3. تشخیص معانی و مضامین مورد نظر شاعر که در انتخاب نوع فرایند و کنشگر یا کنش‌پذیر خاصی از سوی او نهفته است.
4. تشخیص برجسته‌سازی‌های صورت گرفته توسط شاعر از طریق قرار دادن فرایند مثلاً رفتاری در زمینه‌ای از فرایندهای مادی (ر.ک. صالحی‌نیا و روحی، 1390: 312-313).

هدف از این مقاله تحلیل ساخت اندیشگانی شعری از کتاب انار سبز و زیتون سرخ با عنوان کبوترانه از یونه نیکوی است. ساخت اندیشگانی این شعر را بر اساس نظر زبان‌شناس معروف، هالییدی، می‌توان در سه بخش فرایندها، مشارکین فرایند و عناصر پیرامونی فرایند مورد بررسی قرار داد. منظور از فرایند یک واقعه،

کنش، حالت، احساس و چگونگی پدیده‌هاست و مشارکین فرایند عناصری‌اند که یا عامل فرایند به شمار می‌روند، یا فرایند بر آن‌ها اعمال می‌شود و یا از فرایند بهره‌مند می‌شوند. عناصر پیرامونی نیز عناصری‌اند که زمان، مکان، شیوه عمل و وسایل و شرایط فرایند را فراهم می‌کنند. برای بررسی ساخت اندیشگانی این شعر ابتدا متن شعر و سپس تحلیل آن آمده است.

2. شعر کبوترانه

پونه نیکوی در شعر کبوترانه احساسات پاک یک فرزند شهید را بازگو می‌کند. این غزل کوتاه بیان تنهایی‌ها و غصه‌های فرزندی است که پدر شهیدش را همچون کبوتری می‌داند که پرواز کرده و از او دور شده است. همچنین بیانگر نقش همسران شهداست که علاوه بر نقش مادری، نقش پدری را نیز برای فرزندان‌شان ایفا کرده‌اند.

کبوترانه

می‌خواستم بابای من باشد، کبوتر شد
 تا مال من باشد ولی او مال سنگر شد
 می‌خواستم همبازی تنهایی‌ام باشد
 همبازی او توپ‌های یک نفربر شد
 باران گرفت و اشک مادر توی باران گم
 مادر برایم هم پدر هم اینک مادر شد
 چیز زیادی را از او یادم نمی‌آید
 او رفت و تنهایی ما چندین برابر شد
 می‌خواستم بابای من باشد ولی او رفت
 من هر چه از او خواستم یک جور دیگر شد

گفتند بابای مرا در جبهه گم کردند

بابا نشانی‌ات کدامین سنگ مرمر شد؟

(نیکوی، 1390: 53 - 54)

3. ساخت اندیشگانی شعر کبوترانه

در چارچوب زبان‌شناسی سیستمی، همچون دیگر نگره‌های نقش‌گرا پدیده‌های زبانی با ارجاع به این مفهوم که زبان در جامعه و نظام اجتماعی نقش و کارکرد دارد، تبیین و توصیف می‌شوند. این نگره با دست یازیدن به انگاره فرئی معنا - که بنا بر آن معنای هر پاره گفتار همان نقشی است که آن پاره گفتار در بافت ایفا می‌کند - بر آن است تا با تبیین نقش‌های زبان، بخش‌های نقشی نظام معنایی آن را تعیین کند.

(Halliday & Hassan, 1976: 29)

در نتیجه، توصیف نقش‌ها و کارکردهای زبان در جامعه در واقع توصیف معناهایی است که زبان به طور عام و هر متن به طور خاص می‌تواند داشته باشد. هلیدی نقش‌ها و معناهای زبان را به سه دسته تقسیم می‌کند: نقش اندیشگانی زبان که ناظر است بر تجربه سخن‌گویان از جهان بیرون و درون. نقش بینافردی زبان که ناظر است بر چگونگی برقراری، حفظ و تنظیم رابطه میان افراد. به بیان دیگر، نسبت اشخاص شرکت‌کننده در کنش ارتباطی، نوع و رابطه آن‌ها با یکدیگر، نقش آن‌ها در کنش ارتباطی و دیدگاهشان نسبت به این کنش در نقش بینافردی زبان تجلی می‌یابد. مشارکین کنش کلامی در ارتباطی که از راه زبان میان خود ایجاد کرده‌اند، هر یک ایفاگر نقشی می‌شوند: خبر یا فرمان می‌دهند، سؤال می‌پرسند یا انجام خدماتی را پیشنهاد می‌کنند. نقش سوم نقش متنی زبان است. زبان میان خود و بافت ارتباط برقرار می‌کند تا به تناسب بافتی که در آن بیان شده و با توجه به ویژگی‌های مترتب بر آن بافت، متن آفرینی کند. این نقش - که بیانگر مدخلیت کلام و ارتباط کلام، هم با بافت زبانی پس و پیش خود و هم با بافت موقعیتی است، نقش متنی زبان است و خواننده و شنونده را قادر می‌سازد تا متن را از مجموعه‌ای از جمله‌های تصادفی و نامربوط باز شناسد (صالحی‌نیا و روحی، 1390: 306-307).

فرانقش اندیشگانی¹ بازتاب درک و دریافت ما از واقعیت است؛ تجربه ما را از دنیای واقع سازمان بندی می‌کند و چگونگی نگرش ما را نسبت به جهان رقم می‌زند (مهاجر و نبوی، 1376: 26-27). این فرانقش، جهان بینی گوینده را منتقل می‌کند و تجربه و رویکرد او را نسبت به جهان خارج انتظام می‌بخشد، در واقع بر پایه این فرانقش، ما از زبان برای صحبت کردن در مورد تجربیات خود از جهان بیرون ذهن و درون ذهن استفاده می‌کنیم (ابوالحسنی و میرمالک ثانی، 1387: 133).

برای تحلیل متن از دیدگاه اندیشگانی، توجه به این نکته ضروری است که چه نوع رویداد یا فرایندی در حال وقوع است. آیا رویداد مورد نظر به‌طور عینی قابل تجربه است و یا فرایندی است ذهنی و غیرملموس. آیا ممکن است دست به انتخاب بزینم و رویدادی را به دلخواه خود به صورت عینی یا ذهنی بیان کنیم؟ (همان).

هلیدی هر فرایند را شامل سه گزینه می‌داند: خود فرایند، شرکت‌کننده‌های در فرایند و موقعیت‌ها (شرایط) مربوط به فرایند، که در ادامه به بررسی هر یک در شعر کبوترانه می‌پردازیم.

3-1. فرایندهای شعر کبوترانه

فرایند² معمولاً از طریق گروه فعلی بیان می‌شود و از دیدگاه تجربی مؤلفه اصلی پیام محسوب می‌شود. هلیدی فرایندها را به سه دسته اصلی تقسیم می‌کند: فرایند مادی، ذهنی و رابطه‌ای. او به سه نوع فرایند فرعی نیز اعتقاد دارد که عبارت‌اند از: فرایندهای رفتاری، کلامی و وجودی که هر یک از این سه فرایند ویژگی‌های مشترکی با فرایندهای اصلی دارند و از این نظر در مرز میان فرایندهای اصلی قرار می‌گیرند.

نیکوی در شعر کبوترانه از 22 فرایند بهره گرفته است. این غزل شش بیت دارد و حضور 22 فرایند در آن نشانه استفاده فراوان شاعر از فرایندهاست. در واقع هر بیت از سه یا چهار جمله تشکیل شده است که بیانگر کوتاهی جملات نیز هست.

انواع فرایندها در شعر کبوترانه عبارت‌اند از:

الف. فرایند رابطه‌ای³

فرایند رابطه‌ای فرایندی است که به توصیف یا شناسایی مربوط می‌شود (آقاگل‌زاده و همکاران، 1390: 248). در این شعر دوازده فرایند رابطه‌ای دیده می‌شود که نسبت به کل تعداد فرایندها، حجم زیادی را به خود اختصاص داده است. یعنی بیش از نیمی از فرایندهای این شعر رابطه‌ای هستند. رابطه بین دو چیز یا پدیده با یکدیگر در قالب فرایند رابطه‌ای با استفاده از افعال ربطی بیان می‌شود. در این شعر هم افعال ربطی «شدن» و «بودن» این رسالت را بر دوش دارند.

ب. فرایند ذهنی⁴

فرایند ذهنی فرایندی است که بر احساس، اندیشه و ادراک دلالت می‌کند (احمدزاده، 1387: 16). در شعر کبوترانه پنج فرایند ذهنی به کار رفته است که بعد از فرایند رابطه‌ای بیشترین تعداد فرایندها را به خود اختصاص داده است. این فرایند ضرورتاً دارای دو مشارک است: اول عنصری که احساس، اندیشه و ادراک می‌کند که موجودی باشعور است یا باشعور پنداشته می‌شود. این عنصر را «مُدِرک» می‌نامیم. آنچه احساس و ادراک می‌شود یا به آن اندیشه می‌شود، «پدیده» نامیده می‌شود.

در شعر کبوترانه مُدِرک فرزند شهید است که به پدر شهیدش و به تنهایی‌هایش می‌اندیشد. فرایندهای ذهنی معمولاً با افعالی همچون درک کردن، فکر کردن، خواستن و... همراه هستند. در این شعر فرایند ذهنی «خواستن» چهار بار تکرار شده است. فرزند شهید تنها یک خواسته دارد، اینکه پدر او، همچنان در زندگی حضور داشته باشد و نقش پدری‌اش را ایفا کند، اما گویا در ذهن کودکانه او پدر به کبوتری تبدیل شده است که پرواز می‌کند و دیگر اثری از او نیست.

ج. فرایند مادی⁵

فرایند مادی فرایندی است که بر انجام کار یا رخداد واقعه‌ای دلالت می‌کند که طی آن چیزی کاری را انجام می‌دهد که ممکن است چیزی دیگر از این کار متأثر شود یا نشود. این کار می‌تواند فیزیکی باشد، مانند دویدن و یا غیر فیزیکی مانند پذیرفتن (مهاجر و نبوی، 1376: 42).

در شعر کبوترانه چهار فرایند مادی به چشم می‌خورد، فرایندهایی همچون گرفتن، رفتن و گم کردن. این فرایندها به شرکت‌کنندگان یعنی افرادی که کنشگرند، نیاز دارند. این کنشگر ممکن است انسان یا غیرانسان باشد. در این شعر فرایند «گرفتن» برای مشارک انسانی به کار نرفته است، زیرا به «باران» نسبت داده شده است، یعنی باران شروع به باریدن کرد. فعل «رفتن» که دو بار در این شعر به کار رفته است، مشارکی انسانی دارد، زیرا به «او» نسبت داده شده است که همان شهید است. فرایند مادی دیگری که در این شعر به چشم می‌خورد، فعل «گم کردن» است که علاوه بر یک کنشگر - که به صیغه جمع (گم کردند) آمده است - یک کنش‌پذیر نیز دارد، یعنی موجودی که از این فرایند تأثیر پذیرفته که در اینجا کنش‌پذیر همان شهید است، زیرا شاعر می‌گوید: «بابای مرا در جبهه گم کردند».

د. فرایند کلامی⁶

فرایند کلامی شامل فرایندهایی از نوع گفتن است. در این شعر تنها یک فرایند کلامی دیده می‌شود و آن نیز فرایند «گفتند» است: گفتند بابای مرا در جبهه گم کردند». این فرایند سه مشارک دارد:

1. «گوینده» که در این فرایند شخص خاصی نیست، چرا که به صورت سوم شخص جمع آمده و فاعل آن نیز حذف شده است. از بافت شعر می‌توان فهمید که گوینده این فرایند دوستان و هم‌زمان شهیدند.
2. «مخاطب» که در این فرایند فرزند یک شهید مفقودالاثراست. چرا که او در جستجوی پدر است و هم‌زمان پدرش او را مخاطب قرار می‌دهند و خطاب به او می‌گویند که پدرش در جبهه گم شده است.
3. «گفته» یعنی کلامی که نقل می‌شود. جمله «بابای مرا در جبهه گم کردند» سخنی است که به‌طور غیرمستقیم به فرزند شهید گفته شده است.

نگاهی به عناصر روایی داستان‌های کوتاه یوسف ادریس؛ مطالعه موردی: معاهده سیناء

درصد فرایندها در شعر کبوترانه در جدول شماره (1) آمده است. در نمودار (1) نیز توزیع فرایندها در این شعر نشان داده شده است.

جدول (1) توزیع درصد فراوانی فرایندها در شعر کبوترانه

نوع فرایند	رابطه‌ای	ذهنی	مادی	کلامی
فراوانی	12	5	4	1
درصد	%55	%23	%18	%4

Table 1

Distribution of the Frequency of Processes in Kabotarane Poem

Process type	Relational	Mentally	Physical	Verbal
Frequency (f)	12	5	4	1
Percentage	%55	%23	%18	%4

نمودار (1) توزیع فرایندها در شعر کبوترانه

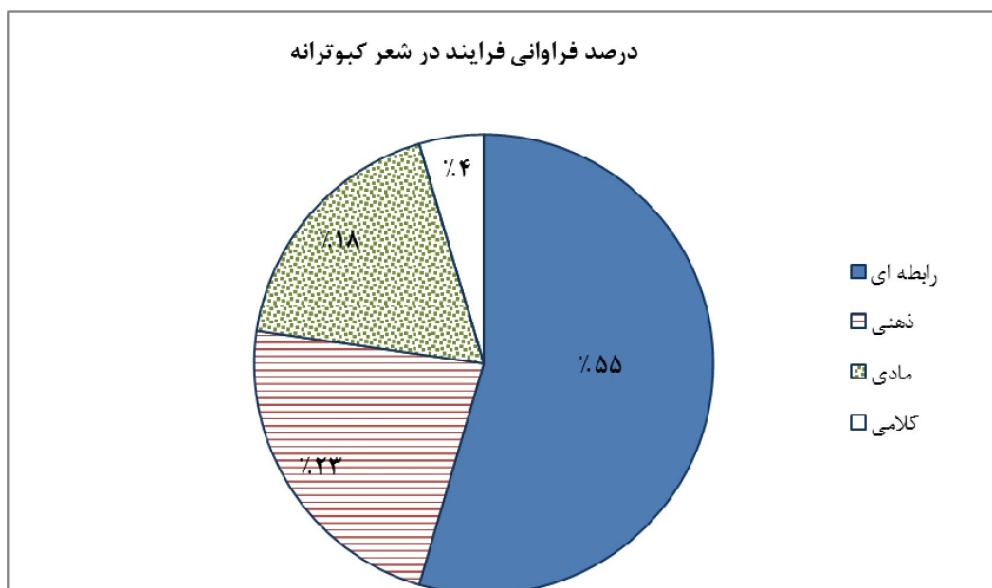
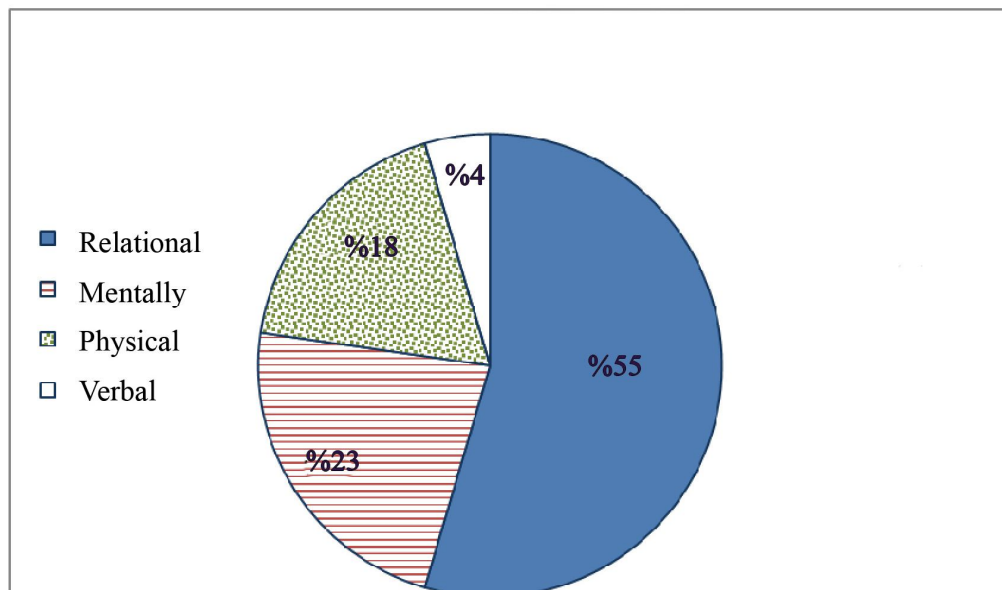


Figure 1: *Distribution of the Frequency of Processes in Kabotarane Poem*



2.3. مشارکین فرایندها در شعر کبوترانه

هر فرایندی حداقل یک مشارک⁷ دارد. این شرکت‌کننده معمولاً با گروه اسمی محقق می‌شود. مشارکین در فرایندها به شکل‌های مختلفی ظاهر می‌شوند؛ گاهی عامل فرایند هستند، گاهی فرایند بر آن‌ها اعمال می‌شود و گاهی ممکن است از فرایند بهره‌مند شوند. به طور کلی مشارکین به دو نوع کنشگر و کنش‌پذیر تقسیم می‌شوند.

نگاهی به مشارکین فرایندها در شعر کبوترانه نشان می‌دهد که علاوه بر راوی شعر - که فرزند شهید است - مشارکین انسانی و غیرانسانی دیگری نیز در شعر حضور دارند. مشارکین انسانی مثل بابا و مادر حضور چشمگیری در شعر دارند. شاعر در آغاز روایتگر تنهایی فرزند شهید است. او گویا با خود حرف می‌زند و

غصه‌هایش را بیرون می‌ریزد، اما در آخرین مصرع، پدر شهید او مخاطب اوست. در واقع راوی از اول شخص به دوم شخص تغییر می‌کند.

مشارکین غیرانسانی نیز در این شعر حضور دارند؛ کبوتر یکی از این مشارکین غیرانسانی است که گویا به جای پدر نشست و به پرواز درآمده است. در بیت دوم «توپ‌های یک نفربر» همبازی پدر می‌شود و گویا روحی انسانی به آن دمیده شده است.

باران، اشک مادر، چیز زیادی، تنهایی ما، سنگ مرمر و... از عناصر غیرانسانی‌ای هستند که در جایگاه مشارکین فرایندها قرار گرفته‌اند.

3.3. عناصر پیرامونی شعر کبوترانه

از مؤلفه‌های دیگر فرایندها عناصر پیرامونی⁸ است که به شکل عناصر مکانی، زمانی، چگونگی، علت و... نمودار می‌شود. عناصر پیرامونی به تبیین موقعیت‌های مکانی، زمانی، کیفی و... در فرایندها می‌پردازند که در ساختارهای زبانی و دستوری مانند گروه‌های قیدی، گروه حرف اضافه‌ای و... پدیدار می‌شوند. در واقع این عناصر وضعیت پیرامونی و موقعیت‌های مختلف فرایندها را مشخص می‌کنند.

در شعر کبوترانه شاعر از عناصر پیرامونی چندانی بهره نگرفته است. «ولی»، «توی باران»، «اینکه» و «در جبهه» از عناصر پیرامونی به کار رفته در این شعر هستند که دو مورد آن عناصر مکانی و دو مورد آن عنصر چگونگی و علت‌اند. شاید دلیل کمی عناصر پیرامونی در این غزل کوتاهی جملات باشد. شاعر در این شعر بیشتر به اجزای اصلی کلام - که کنشگران و کنش‌پذیران هستند - توجه دارد و می‌خواهد با کوتاه‌ترین جملات، مقصود خود را بیان کند. پس ضرورتی به وجود عناصر پیرامونی و شاخ و برگ دادن به کلام خود نمی‌بیند. راوی تنهاست و برای بیان تنهایی خود نیازی به جملات گسترده ندارد. جدول شماره (2) ساخت تعدی شعر کبوترانه را نشان می‌دهد.

جدول شماره (2) فرایندهای ساخت تعدی در شعر کبوترانه

عناصر پیرامونی	مشارکین فرایند	فعل فرایند
-	(من: محذوف)	می خواستم / ذهنی
-	(او: محذوف)، بابای من	باشد / رابطه‌ای
-	(او: بابای محذوف)، کبوتر	شد / رابطه‌ای
-	(او: بابای محذوف)، مال من	باشد / رابطه‌ای
ولی	او، مال سنگر	شد / رابطه‌ای
-	(من: محذوف)	می خواستم / ذهنی
-	(او: بابای محذوف)، همبازی تنهایی‌ام	باشد / رابطه‌ای
-	همبازی او، توپ‌های یک نفربر	شد / رابطه‌ای
-	باران	گرفت / مادی
توی باران	اشک مادر، گم	شد (محذوف) / رابطه‌ای
برایم، هم، اینک	مادر، پدر، مادر	شد / رابطه‌ای

عناصر پیرامونی	مشارکین فرایند	فعل فرایند
-	(من: محذوف) چیزی زیادی را، از او	یاد نمی‌آید / ذهنی
-	او (بابای محذوف)	رفت / مادی
-	تنهایی ما، چندین برابر	شد / رابطه‌ای
-	(من: محذوف)	می‌خواستم / ذهنی
-	(او: بابای محذوف)، بابای من	باشد / رابطه‌ای
ولی	او	رفت / مادی
-	من، هرچه، از او	خواستم / ذهنی
-	(آن: محذوف)، یک جور دیگر	شد / رابطه‌ای
-	(آن‌ها: محذوف)	گفتند / کلامی
در جبهه	(آن‌ها: محذوف)، بابای مرا	گم کردند / مادی
-	بابا، نشانی‌ات، کدامین سنگ مرمر	شد / رابطه‌ای

Table 2

The Processes of Making Transitive Verbs in Kabotarane Poem

Process verb	Process participants	Peripheral elements
I wanted / mentally	(I: deleted)	-
Be/ relational	(He: deleted), my father	-
Became /relational	(He: his father's name was deleted), Pigeon	-
relational/ Became	(He: his father's name was deleted), mine	-
Be/ relational	He, trench	But
I wanted / mentally	(I: deleted)	-
Became / relational	(He: his father's name was deleted), My lonely friend	-
Be/ relational	her friend, Tank Balls	-
Take / material	Rain	-
Be/ relational	Mother tears, Missing	In the rain
Be/ relational	Mother, father, mother	For me, both, both, that

Process verb	Process participants	Peripheral elements
Do not remember / mentally	(I: deleted) have a lot, from him	-
Went / material	He (baba deleted)	-
became /Relational	Our loneliness, several times	-
I wanted / mentally	(I: deleted)	-
Be /Relational	He (baba deleted) My baba	-
Went / material	She	But
I wanted / mentally	I, whatever, from him	-
Was /Relational	(It: deleted), another way	-
They said / verbal	(They: deleted)	-
Lost / material	(They: deleted) My baba	In the battle
Was /Relational	Baba, the address, which grave	-

نتیجه‌گیری

خوانش شعر کبوترانه - که یکی از نمونه‌های شعر دفاع مقدّس است - نشان می‌دهد که این شعر از ظرفیت خوبی برای تحلیل زبان‌شناختی ادبیات معاصر برخوردار است. پونه نیکوی، شاعر جوان معاصر است که هرچند، خود شاهد دفاع مقدّس و رشادت‌ها و رنج‌های آن نبوده است، اما خود را به جای مادران، همسران و فرزندان شهدا و جانبازان قرار می‌دهد و راوی غم فراق آنان می‌شود. او در این شعر از 22 فرایند بهره گرفته است که بیش از نیمی از آن‌ها فرایندهای رابطه‌ای است. حضور دوازده فرایند رابطه‌ای در شعر کبوترانه نشانه توصیفی بودن این شعر است، چرا که شعر وصف حال فرزند شهیدی است که تنهایی‌های خود را بیان می‌کند.

وجود پنج فرایند ذهنی - که چهار فرایند آن فعل «خواستن» را در بردارد - نشانه منتهای آرزوی یک فرزند شهید است. البته او چیز زیادی نمی‌خواهد؛ او تنها پدرش را می‌خواهد. می‌خواهد پدر، پدر باقی بماند، اما از دیدگاه کودکانه او پدر، کبوتر می‌شود و پرواز می‌کند. چهار فرایند مادی و یک فرایند کلامی نیز در این شعر حضور دارند که نسبت آن‌ها به کل شعر اندک است. این شعر در عالم خیال کودکانه جریان دارد و به این دلیل شاید فرایندهای مادی چندان چشمگیر نیستند. از طرف دیگر، راوی تنهاست، پس فرایندهای کلامی امکان ظهور و بروز زیادی ندارند.

پی‌نوشت‌ها

1. Ideational meta function
2. Process
3. Relational Process
4. Mental Process
5. Material Process
6. Verbal Process
7. Participants
8. Circumstances

منابع و مأخذ

- آفاگل‌زاده، فردوس؛ کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالییه و حسین رضویان (1390)، «سبک‌شناسی داستان براساس فعل: رویکرد نقش‌گرا»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی (بهارادب)، سال چهارم، شماره 1، بهار، صص 243-254.
- ابوالحسنی، زهرا و مریم‌السادات میرمالک ثانی (1387)، «بررسی کتاب‌های درسی دانشگاهی براساس نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی»، مجله سخن سمت، شماره 20، زمستان، صص 129-143.
- احمدزاده، سیدمصطفی (1387)، «تفسیر زبانشناختی سوره عصر»، مجله مطالعات اسلامی - علوم قرآن و حدیث، سال چهارم، شماره پیاپی 81/3، پاییز و زمستان، صص 11-35.
- خان‌جان، علیرضا و زهرا میرزا (1385)، «درآمدی به شعرشناسی نقش‌گرا (رویکردی زبان‌شناختی)»، مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره 7، پاییز و زمستان، صص 83-101.

نگاهی به عناصر روایی داستان‌های کوتاه یوسف ادریس؛ مطالعه موردی: معاهده سیناء

- صالحی‌نیا، مریم و زهرا روحی (1390)، «بررسی انتقادی کاربرد نظریه سیستمی - نقشی هلیدی (زبان‌شناسی متن‌بنیاد) در نقد شعر معاصر فارسی»، نامه نقد (مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نظریه و نقد ادبی در ایران، به کوشش محمود فتوحی، تهران: نشر خانه کتاب، چاپ اول، صص 303-324.
- عاصی، مصطفی و محسن نوبخت (1390)، «تحلیل سبک‌شناختی شعر اخوان (آن گاه پس از تندر)؛ رویکردی نقش‌گرا»، مجله زبان‌شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره 2، پاییز و زمستان، صص 69-98.
- فرهنگی، سهیلا (1385)، «تحلیل گفتمانی شعر پیغام ماهی‌ها از سهراب سپهری»، مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره 6، بهار و تابستان، صص 69-84.
- قبادی، حسنیعلی، و احمد رضایی جمکرانی (1390)، «بررسی، تحلیل و نقد چهار قصیده فارسی براساس آموزه‌های زبان‌شناسی سیستمی - نقش‌گرا»، مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره 20، بهار، صص 69-93.
- مهاجر، مهران و محمد نبوی (1376)، «به سوی زبان‌شناسی شعر؛ رهیافتی نقش‌گرا»، تهران: نشر مرکز.
- نبی‌لو، علیرضا (1392)، «بررسی و تحلیل دو غزل از خاقانی و حافظ بر مبنای زبان‌شناسی نقش‌گرای سیستمی»، مجله زبان و ادب فارسی، تبریز، سال 66، شماره مسلسل 227، بهار و تابستان، صص 113-135.
- نیکوی، پونه (1390)، «انار سبز زیتون سرخ»، تهران: هزاره ققنوس.

Acknowledgements

We wish to thank the two anonymous reviewers for their constructive comments

Declaration of Conflicting Interests

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

Funding

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

REFERENCES

- Abolhasani, Z. & Al-Sadat Mirmalek Thani, M. (2009), *Reviewing Academic Textbooks based on the Halliday's Systematic Grammar Theor*, Sokhan Magazine, No. 20, winter, Pages 129 -143.
- Agha Golzadeh, F., Kord Zafranloo Cambozia, A. & RazAvian, H. (2012), *Stylistics of Story Based on Verb: A Stylistic Approach*, Specialized Quarterly (Journal) of Stylistics of Persian Verse and Prose (Bahare Adab), 4th year, No 1, spring, pp. 243-254..
- Ahmadzadeh, S. M. (2009), *Linguistic Interpretation of Surah Asr*, Journal of Islamic Studies – Sciences of Quran and Hadith, 40th year, No. 3, Serial 81, Autumn and Winter, pp. 11 -35.
- Assi, M. & Nobakht, M. (2012), *The Stylistic Analysis of the Akhavan Poem(Then After Thunder); A Stylistic Approach*, Journal of Linguistics, Research Institute for Humanities and Cultural Studies, 2th year, No. 2, Autumn and Winter, pp. 69 -98
- Farhangi, S. (2007), *The Discourse Analysis of the Poem of the Fishs' Message from Sohrab Sepehri*, Research of Persian Language and Literature Journal, No. 6, spring and summer, pp. 69-84.
- Ghobadi, H. A. & Jamkarani, A. R. (2012), *Reviewing, Analyzing and Critiquing of four Persian Odes according to the Linguistic Systemic –Role Oriented Teachings*, Research of Persian Language and Literature Journal, No. 20, Spring, pp. 69-93.
- Halliday, M. A. K & R. Hassan. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman
- Khanjan, A. & Mirza, Z. (2007), *An Introduction to Role-Oriented Cognitive Poetry (a Linguistic Approach)*, Research Journal of Persian Language and Literature, No. 7, autumn and winter, pp. 83 -101.

Mohajer, M. & Nabavi, M. (1998), *Towards linguistics of Poetry, a Role-Oriented Approach*, Tehran: Markaz publication.

Nabilou, A. (2014), *The study and analysis of two sonnets from Khaghani and Hafez based on Systemic Role Oriented Linguistic*, Persian Language and Literature magazine, Tabriz, 66, Serial No. 227, spring and summer, pp. 113-135.

Nikooei, P. (2012), *Green Pomegranate Red Olive*, Tehran: Hezareh Ghoghnoos.

Salehinia, M. & Rouhi, Z. (2012), *The Critical Examination of the Application of Systemic-Rollick Theory-of Halliday (Text based Linguistic) in Contemporary Persian Poetry Criticism*, The Letter of Criticism (the Collection of essays of the First National Conference on Theory and Literary Criticism in Iran, by Mahmoud Fotouhi , Tehran: Khaneh Ketab(House of Book) publication, First Printing, pp. 303-324.